

لیخند تلخ

مجموعه داستان

صادق صالحی



انتشارات آوانسار
Avansar Publications

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	:	صالحی، صادق، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	لبخند تلخ: مجموعه داستان / صادق صالحی.
مشخصات نشر	:	قم: توانمندان: دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۵۴۳ ص: ۵/۱۴×۲۱/۲۱ س.م.
شابک	:	4-49-6216-622-978: ۵۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Short stories, Persian -- 20th century
شناسه افزوده	:	دفتر فرهنگ معلولین
رده بندی کنگره	:	PIR۸۳۵۰
رده بندی دیویی	:	۸۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۱۳۲۳۰۳



دفتر فرهنگ معلولین
دارالتحقیق للمعوقین
Handicap Cultural Center



انتشارات توانمندان
Tavanmandan Publications

لبخند تلخ: مجموعه داستان

پدیدآورنده: صادق صالحی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۴۹-۴ ISBN: 978-622-6216-49-4

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۵۵۰/۰۰۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۴۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , info@handicapcenter.com

www.DataDisability.com , www.Tavanmandan.com

ارتباط با نویسنده: ۰۹۱۳۵۷۰۴۰۱۱

تقدیم به

همسر مهربان و یاورم در فراز و فرودها
و اهدا به دوستان وفادارم در غم و شادی‌ها

فهرست

۹	آغاز
۱۷	مقدمه
۲۹	زندگی نامه صادق صالحی
۳۵	آفتاب گردان های اداره
۵۷	پیر پسر
۹۹	انتخابات
۱۴۷	باد بر وقف مراد
۱۹۱	رمالان و حمالان
۲۴۷	شهر یا شر
۳۰۱	نماز گریزی
۳۳۵	خانه ای در قبرستان
۳۷۵	چرا مکبر نشدم؟
۴۰۷	خاطرات جمشید
۴۴۵	آدم های سرگردان
۵۳۱	روشندل تحصیل کرده مدرسه کریستوفل

آغاز

قصه در همه ملت‌ها و تمامی فرهنگ‌ها مقبول همه اقشار از کودکان تا سالخوردگان بوده است؛ زیرا تأثیرهای داستان در زندگی مردم برای همگان وجود داشته و به وضوح کارآمدی فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی داستان را مشاهده می‌کرده‌اند. حتی کتب اصلی ادیان چون قرآن کریم و انجیل و تورات به داستان اهمیت داده و بخش مهمی از این آثار، داستان و سرگذشت شخصیت‌ها و ملت‌ها است.

نخبگان علوم تربیتی و آموزش و پرورش از قدیم دریافته‌اند، از داستان به عنوان یک شیوه برای اصلاح افراد و جوامع می‌توانند استفاده کنند؛ به ویژه در سده‌های اخیر در غرب، داستان را با امکانات جدید در اختیار عموم قرار دادند؛ فیلم‌ها و سریال‌هایی بر اساس داستان‌ها ساخته شد؛ نیز پس از بازنویسی در قالب کتاب منتشر گردید. به تدریج مسئولین فرهنگی و آموزش و پرورش معلولان هم به اهمیت و کارآمدی داستان در پیشرفت این قشر پی برده و تلاش کردند از داستان به عنوان یک ابزار و یک شیوه برای ترقی و پیشرفت این قشر استفاده کنند. همچنین خود نابینایان، ناشنویان، افراد دارای معلولیت حرکتی یا ذهنی یا رفتاری هم تأثیرهای داستان را در زندگی خودشان تجربه کردند و داستان‌نویسی و سپس به اشتراک گذاشتن داستان‌ها را شروع کردند. ابتدا معلولان اروپایی و بعداً معلولان آمریکایی به داستان پرداختند، ولی این تجربه موفق به سرعت فراگیر شد و اکنون در بسیاری از کشورها معلولان به داستان‌نویسی رو آورده‌اند.

اما داستان چه تأثیری در معلولان داشت که آنان جذب می‌شدند و به نوشتن داستان علاقه‌مند گردیده‌اند؟

به منظور پاسخ به این پرسش، لازم است برخی از جنبه‌های مؤثر داستان در زندگی و سرنوشت معلولان را بررسی کنیم.

اولین بار معلولین به نگارش سرگذشت خودشان علاقه‌مند شدند. هر معلول به

ویژه معلول هایی که در نوجوانی یا جوانی معلولیت پیدا کرده و به عیان می دیدند، رفتار با آنها متفاوت است و روند زندگی آنان مثل مردم عادی، راحت و آسان نیست و همواره سختی ها و مشکلاتی را باید تحمل کنند. از طرف دیگر می دیدند که کسی به این سختی ها توجه نمی کند؛ مورخین، روزنامه نگاران و گزارشگران به زندگی پادشاهان و مشاهیر توجه کرده و مدام از آنها گزارش و مطلب منتشر کرده اند. ولی نسبت به این قشر غافل بوده و هستند. این دلایل موجب شد خود معلولان و برخی از مدافعین آنان، شروع به نوشتن زندگی نامه معلولان کنند و سرگذشت آنها و نیز مشقت ها و سختی های آنان را گزارش کنند.

هنوز بسیاری از معلولان که به سراغ نگارش و نویسندگی می روند همین انگیزه را دارند، البته بعداً با شروع نهضت مطالبه گری و توسعه جریان حقوق گرای معلولان در کشورهای مختلف، انگیزه آنها تشدید شد و عناصر دیگری به خواسته های آنان افزوده شد. از جمله تأکید و اهتمام آنان به معرفی توانمندی های خودشان بود؛ زیرا برای جلب نظر حقوق دانان و مقنن ها (قانون گذاران) باید توانایی های خودشان را اثبات می کردند و بر اساس این توانایی ها به مطالبه حقوقشان اقدام می نمودند.

در مقابل دیدگاهی است که معلولان را یک قشر بی خاصیت و فاقد توانمندی و بازدهی و فقط سربار جامعه می دانند؛ اینان به دلیل عدم توانایی انجام کار می گویند: از این رو حقوقی برای آنان نمی توان تثبیت کرد و نمی توان از اموال و ثروت جامعه به آنان اختصاص داد. این دیدگاه تا جایی پیش می رفت که می گفت اینان باید از بین بروند و جامعه از آنان پاکسازی شود. همان طور که دولت هیتلر به توصیه طرفداران این دیدگاه، افراد بسیار از معلولان را از بین برد؛ البته افرادی با همین دیدگاه معتدل تر هستند و می گویند: باید به حداقل ها اکتفا کرد و به اندازه بخور و نمیر به معلولان امکانات داد و آنان را در نوانخانه ها و آسایشگاه ها نگهداری نمود.

در مقابل این دیدگاه، معلولان از اواسط سده نوزدهم به میدان آمده و شروع به معرفی توانایی های خود نمودند. به همین دلیل است که از این زمان آمار

زندگی نامه‌های معلولان افزایش یافت. آنان مثل قرون گذشته سعی در مخفی کردن خود و معلولیت خودشان نمی‌کردند بلکه با صراحت و شجاعت خود را فردی دارای معلولیت ولی توانا در مثلاً امور هنری، یا فرهنگی یا اجتماعی معرفی می‌کردند. همین رویه به تدریج وارد ایران شد و به تدریج این سنت در ایران هم گسترش یافت به طوری که در سه دهه اخیر رشد زندگی نامه‌های معلولان چندین برابر گذشته شده است.

نگارش سرگذشت معلولان چه توسط خودشان یا دیگران و به شیوه‌های مختلف داستان، رمان، مستند و تاریخی، غیر از معرفی توانمندی جهت اثبات حقوقشان، پیامدهای دیگر هم به همراه داشته است:

- تثبیت هویت اجتماعی: خودشان را به عنوان بخشی از جامعه شناسانده و می‌گفتند ما دارای تفاوت با دیگران هستیم ولی این تفاوت نباید به تبعیض و بی‌عدالتی منجر گردد.

- تحکیم و توسعه جریان حقوق‌گرا: معلولان از طریق زندگی نامه، خودشان را شهروندان صاحب حق معرفی کرده‌اند؛ زیرا زندگی نامه‌ها اثبات کننده این است که آنان در انسانیت و مثلاً در ایرانیت با دیگر شهروندان ایرانی یکسان هستند، بر این اساس در دارایی‌ها و مناصب و امکانات ایران سهمیم و ثروت‌های عمومی به آنها هم تعلق می‌گیرد.

- مشارکت اجتماعی: معلولان در زندگی نامه‌های خود تأکید کرده‌اند: مفت و مجانی و صدقه‌سری و از سر ترحم، امکانات نمی‌خواهند؛ بلکه به دلیل شهروندی، مثل دیگران در جامعه مشارکت داشته و برای رفع معضلات جامعه تلاش می‌کنند. مثلاً معلم یا نقاش و هنرمند یا موسیقی‌دان یا مداح و یا... هستند و برای جامعه کار می‌کنند و جامعه هم باید آنها را تأمین کند؛ به عبارت دیگر رابطه دو سویه با جامعه دارند؛ هم خدمت می‌کنند و هم از خدمات دیگران استفاده می‌کنند.

خلاصه زندگی نامه‌های آنان خود اثبات کننده مشارکت اجتماعی آنان است. همین مشارکت منشأ حق مداری و حقوق طلبی آنها است.

- نفی دیدگاه‌های منفی: دیدگاه کسانی که معلولان را متکدی دانسته و

سرنوشت آنان را وابسته به دیگران می‌دانند و می‌گویند معلولان با مساعدت‌های عده‌ای از مردم یا دولت زنده هستند و اگر این مساعدت‌ها قطع شود، آنان خواهند مرد، با این زندگی‌نامه‌ها نقض و نفی خواهد شد.

داستان سرگذشت معلولان اثبات کرده حتی در قرون گذشته معلولان در روستاها به عنوان چوپان و غیره در انواع مشاغل دامپروری و کشاورزی تلاش می‌کرده‌اند. چهره‌های بزرگی که منشأ خدمات بی‌نظیری شده‌اند، از بین معلولان برخاسته‌اند. رودکی به عنوان احیاگر ادبیات فارسی و ادیسون مخترع برق و لامپ و هزاران کاشف، دانشمند و نخبه دیگر جزء این قشر هستند.

خلاصه اینکه زندگی‌نامه معلولان اسنادی برای اثبات این است که آنان در طول تاریخ نه تنها متعددی نبوده‌اند بلکه منشأ کار و خدمت بوده‌اند.

- فرهنگ ویژه: داستان‌های معلولان اثبات‌گر این است که معلولان یک بخش از جامعه با اندیشه‌ها، آداب و رسوم خاص خود هستند. این جامعه تفاوت‌ها و در عین حال اشتراکاتی با دیگر اقشار دارند. به همین دلیل نهادهای ملی و جهانی ویژه ایجاد شد که به امور متفاوت آنان مستقلاً رسیدگی کند. از این‌رو پارالمپیک و آموزش استثنایی تأسیس شد. همچنین لازم است در بخش‌های فرهنگ، هنر و... هم نهادهای مستقل و ویژه داشته باشند تا با تدبیرها و برنامه‌ریزی‌های مستقل برای آنان در عین تأکید بر تفاوت‌ها، حضور فراگیر آنان در جامعه و منزوی نشدن آنها را انجام دهند.

داستان‌ها اعم از زندگی‌نامه‌ها یا گزارش‌ها درباره دیگر جوانب جامعه معلولان، گویای تفاوت‌ها و نیز اشتراکات است و می‌تواند مواردی که ویژه این قشر است را معرفی کند و در نهایت بر اساس همین داستان‌ها فرهنگ ویژه آنان تثبیت و تدوین شود.

- داستان به عنوان توانبخش: خود داستان می‌تواند به افراد دارای معلولیت توان بدهد و آنان را از افسردگی و پریشانی نجات بخشد. کسانی که مشغول نگارش‌اند، چهره آنان بشاش است، بانشاط‌تر و شاداب‌تر هستند و در زندگی موفق‌تر می‌باشند.